

### راهبرد ملی

در شماره قبل سیر تحولات تاریخی مدیریت تارسیدن به مدیریت راهبردی در دهه ۸۰ قرن گذشته به اجمال مورد مطالعه قرار گرفت و معلوم شد که مدیریت راهبردی علاوه بر وظایف عمومی مدیریت سه وظیفه عمده تدوین راهبرد، اجرا و کنترل و ارزیابی آن را شامل می شود و این فرایند در واقع فرایندی است عام تر از طرح ریزی راهبردی که برخی صاحب نظران آنرا برنامه ریزی راهبردی نیز قلمداد می کنند.

هر چند اجرای راهبرد در این فرایند دارای اهمیت بسیاری است، لیکن تدوین آن به عنوان شالوده و اساس مدیریت راهبردی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و خود شامل فرایندی پویا و شایسته بحث و بررسی جداگانه ای است.

به منظور تبیین فرایند طرح ریزی و تدوین راهبردی ابتدا لازم است ضمن توافق کلی درباره تعریفی جامع از راهبرد، سطوح مختلف آن نیز تفکیک و به خوبی شناخته شود.

مطالعه و بررسی مفاهیم مشترک در نظرات اربابان اندیشه، رهبران موفق، فرماندهان نظامی بزرگ و پیروز در میدان نبرد و مدیران سازمان های بزرگ و راهبردی، از سان تزو تا ناپلئون بناپارت، ژوهیتی، کلاوزویتس، جان ام. کالیز، ایگور آنسوف، هنری مینتز برگ و سایرین که در حوزه ادبیات راهبردی در مقاطع مختلف تاریخ هریک به نوعی تلاش کرده اند تا مفهوم راهبرد را با واژه هایی مناسب در اسارت تعریف در بیاورند، نشان می دهد که "راهبرد طرحی است جامع برای به کارگیری و استفاده از تمامی ابزارها و مؤلفه های قدرت در فرایندی پویا شامل: تعیین اهداف عالی برای وضعیتی مطلوب، اتخاذ تدابیر راهبردی (تعیین گزینه های راهبردی) با ارزیابی و رویارویی عوامل داخلی (قوت ها و ضعف های درون سازمانی) در برابر عوامل

خارجی (فرصت‌ها و تهدیدهای محیط بیرون سازمانی)، همراه با تعریف مجدد مأموریت بخش‌های مختلف زیر مجموعه، تعیین ساختارهای سازمانی و اختصاصی منابع و ابزارهای لازم، برای دستیابی به اهداف تعیین شده و رسیدن به وضع مطلوب".

این تعریف مشروح، جامع و عام از راهبرد به گونه‌ای بیان شده تا تعیین‌کننده مفهوم راهبرد در تمامی سطوح و انواع آن باشد. راهبرد طرح است و مدیریت راهبردی علم و هنر طراحی و اجرایی راهبرد است.

در تعیین سطوح راهبردی ابتدا می‌توان راهبرد را به دو سطح کلی راهبردهای سطوح ملی و راهبرد در سطح مؤسسات و سازمان‌ها تفکیک کرد و پس از تعریف و تشریح هر کدام، سطوح مختلف زیر مجموعه آنها را نیز تبیین نمود.

راهبرد ملی که همان راهبرد بزرگ می‌باشد، طرحی است جامع که در فرایند تدوین آن ضمن تبیین منافع و تعیین اهداف ملی با ارزیابی عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌های محیط ملی) در برابر عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدهای محیط بین‌المللی) تدابیر راهبردی (گزینه‌های راهبردی) برای به‌کارگیری مؤلفه‌های مختلف قدرت ملی (مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و...) به منظور دستیابی به اهداف ملی و اجرای سیاست‌های ملی (سیاست‌های کلی نظام) طراحی و تدوین می‌شوند و با تعریف مجدد مأموریت بخش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، دفاعی- امنیتی (نظامی) و... سهم هر بخش از تولید ناخالص داخلی مشخص می‌شود و منابع مجاز تهیه و تأمین نیازمندی‌های اساسی و کلان اجرای راهبرد و نحوه تهیه آنها تعیین می‌گردد.

بدیهی است که علی‌رغم افزایش روزافزون تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و نظامی در کشورها و با وجود ارتباطات پیچیده میان مسایل مختلف داخلی و خارجی آنها، اگر چه در رویکرد راهبردی به مسایل

مختلف در سطح ملی همواره می‌بایست جامع‌نگری و تفکر سیستمی حاکم باشد ولی در جهان امروز نمی‌توان تصور کرد که یک راهبرد (راهبرد بزرگ) بتواند تمامی مسایل و امور مختلف یک کشور را دربر گرفته و نه تنها راه حل تمامی مشکلات و چالش‌های موجود و آینده را در ایجاد مختلف پیشنهاد کند، بلکه برای رشد و توسعه کشور در آینده نیز توصیه‌های راهبردی ارائه نماید، لذا راهبرد ملی در کشورها فقط یک راهبرد نیست و قاعدتاً برای حل هر موضوع و یا رسیدن به هر هدفی که در سطح ملی مطرح می‌شود و آثار و پیامدهای آن شامل حال آحاد و اقشار مختلف جامعه و اکثریت قریب به اتفاق ملت می‌شود و برای حصول به نتایج مطلوب آن به استفاده از منابع قدرت ملی نیاز است، می‌بایست یک راهبردی طراحی و تدوین شود. از همین رو راهبرد ملی در کشورها می‌تواند در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، فناوری، امنیتی، دفاعی (نظامی) و... به طور جداگانه طراحی شود و قاعدتاً هماهنگ‌کننده این راهبردها اهداف و سیاست‌های ملی (سیاست‌های کلی نظام) خواهد بود. در هر مقطعی از زمان بر اساس اولویت و حساسیت نفع ملی که در معرض خطر و تهدید قرار داشته باشد، راهبرد تأمین، حفظ و استمرار آن نفع در اولویت قرار گرفته و راهبردی بزرگ در کشور قلمداد می‌شود و سایر راهبردها می‌بایست در حمایت و پشتیبانی از آن قرار داده شوند.

برای مثال در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران راهبرد دفاعی (نظامی) برای بیرون راندن متجاوزان از سرزمین‌های اشغالی، استراتژی ملی (بزرگ) کشور و در صدر سایر راهبردها قرار داشت و تمامی راهبردهای دیگر اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در حمایت و پشتیبانی از آن قرار داده شده بود، چون استقلال و تمامیت ارضی در آن زمان منافع ملی حیاتی و اولویت‌داری بود که مورد مخاطره قرار گرفته و خدشه دار شده بود. ولی امروز موضوع کسب قابلیت و توانایی تهیه و تولید سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای و

استفاده صلح آمیز از این انرژی و مقابله با زورگویی های آمریکا برای محروم کردن ایران از این حق مسلم ما، در اولویت مسایل راهبردی کشور قرار دارد و راهبردی بزرگ اکنون می تواند در راستای دستیابی و وصول به این هدف ملی طراحی و تدوین شود. هر چند موضوعات مهم بسیاری نیز در سطح ملی و از نوع راهبرد ملی وجود دارند که نیازمند تدوین راهبردی می باشند. تردیدی نیست که همگی این موضوعات را نمی توان در یک راهبرد تحت عنوان راهبرد ملی قرار داد و تعیین تکلیف نمود. در شماره های آینده به یاری پروردگار یکتا با تعریف راهبرد در سطح سازمانها ، تحت عنوان راهبرد مؤسسه و سطوح مختلف زیر مجموعه این راهبردها به شرح فرایند طراحی و تدوین راهبردهای مختلف خواهیم پرداخت.

پژشکده مطالعات استراتژیک  
مجلس شورای اسلامی